

97600 - حدیث نابینا که متوسلان به مردگان به آن استدلال می کنند

سوال

هنگام مطالعه‌ی صحیح الجامع الصغیر به حدیث شماره‌ی (۱۲۷۹) برخوردیم که در آن آمده است: **«اللهم إني أسألك وأتوجه إليك بنبيك محمد نبي الرحمة، يا محمد إني توجت بك إلى ربي في حاجتي هذه لتقضى لي، اللهم فشفعه في»** (خداوند من به پیامبرت محمد، پیامبر رحمت به تو متوسل می شوم و روی می آورم. ای محمد من با تو برای برآورده شدن حاجتم به پروردگارم روی آوردم تا [حاجتم] فراهم شود. خداوند شفاعت او را در مورد من بپذیر). در فهم این حدیث دچار مشکل شده‌ام؛ آیا این می تواند دلیل قبرپرستان و کسانی شود که به مردگان متوسل می شوند؟ این حدیث چگونه پاسخ داده می شود؟

پاسخ مفصل

امام احمد و دیگران با سند صحیح از عثمان بن حنیف روایت کرده‌اند که مردی نابینا به نزد رسول الله . صلی الله علیه وسلم . آمد و گفت: دعا کن که الله شفایم دهد. پیامبر . صلی الله علیه وسلم . فرمود: **«اگر بخواهی برایت دعا می کنم، و اگر بخواهی آن را [برای آخرت] به تاخیر می اندازم و این برایت بهتر است»** [در روایتی دیگر: و اگر بخواهی صبر پیشه کن که برایت بهتر است] او گفت: دعا کن. پس امرش نمود که به نیکی وضو گیرد و دو رکعت بخواند و این دعا را بگوید: **«اللهم إني أسألك، وأتوجه إليك بنبيك محمد نبي الرحمة، يا محمد إني توجت بك إلى ربي في حاجتي هذه، فتقضى لي، اللهم فشفعه فيّ وشفّعي فيه»**. راوی می گوید: آن مرد چنین کرد و شفا یافت.

برخی از مردم در فهم این حدیث دچار مشکل شده‌اند و گمان کرده‌اند این روایت دلیلی است برای برخی از انواع توسل بدعت‌آمیز حال آنکه چنین نیست.

بسیاری از علما این اشکال را پاسخ داده و بیان کرده‌اند که در آن هیچ حجتی برای مدعیان توسل غیر شرعی وجود ندارد، چه این توسل به ذات شخص باشد و چه به جاه و منزلت او، چه رسد به توسل به مردگان و دعای آنان به جای خداوند. یکی از بهترین پاسخ‌های علمی محکم، پاسخی است که علامه محمد ناصرالدین آلبانی در کتاب **«التوسل أنواعه وأحكامه»** بیان داشته. ایشان در توضیح بر این حدیث می گوید:

«اما نظر ما این است که این حدیث هرگز برای آنان دلیلی بر توسل به ذات نیست، بلکه این دلیل نوع سوم از انواع توسل مشروع یعنی توسل به دعای شخص صالح است. زیرا توسل آن نابینا در واقع توسل به دعای ایشان . صلی الله علیه وسلم . بود، و دلایل بسیاری بر آنچه می گوئیم در خود حدیث موجود است. مهم ترین این دلایل:

اولا: آن نابینا برای این نزد پیامبر. صلی الله علیه وسلم. آمده بود که ایشان برایش دعا کند، زیرا گفت: **«از الله بخواه تا مرا شفا دهد»**. پس وی به دعای او متوسل شد، زیرا می دانست که دعای پیامبر. صلی الله علیه وسلم. بر خلاف دعای دیگران به اجابت نزدیک است، و اگر آن نابینا قصد توسل به ذات پیامبر. صلی الله علیه وسلم. یا جاه یا حق او را داشت نیازی به آمدن به نزد پیامبر. صلی الله علیه وسلم. و درخواست دعا از ایشان نبود، بلکه در خانه می نشست و دعا می کرد و مثلا می گفت: **«خداوندا من به جاه پیامبرت و منزلت او نزد تو از تو خواهانم که مرا شفا دهی و بینایم کنی»** اما او چنین نکرد.

ثانیا: پیامبر. صلی الله علیه وسلم. به وی وعدهی دعا داد، اما در عین حال او را به چیزی که برایش بهتر است نصیحت کرد و فرمود: **«اگر بخواهی دعا می کنم و اگر بخواهی صبر کن که برایت بهتر است»**.
ثالثا: نابینا به ایشان اصرار کرد که برایش دعا کند، و گفت: **«دعا کن»** و این نشان دهندهی این است که پیامبر. صلی الله علیه وسلم. برایش دعا کرده، زیرا پیامبر. صلی الله علیه وسلم. بهترین وفا کنندهی به وعده است و ایشان چنانکه گذشت به آن نابینا وعدهی دعا داده بود، بنابراین حتما پیامبر. صلی الله علیه وسلم. برایش دعا کرده و در نتیجه مراد وی حاصل شده است. اما پیامبر. صلی الله علیه وسلم. از روی رحمت خویش و بنا بر حرص و اهمیتی که داشت و می خواست خداوند دعای او را دربارهی آن نابینا بپذیرد، او را به نوع دوم توسل مشروع، یعنی توسل به عمل صالح راهنمایی کرد تا در نتیجه خیر از همه سو در وی یکجا شود، پس دستور داد که وضو بگیرد و دو رکعت نماز بخواند، سپس برای خود دعا کند. این اعمال همه طاعت الله سبحانه و تعالی بود که پیش از دعای پیامبر. صلی الله علیه وسلم. انجام داد و در این سخن الله متعال وارد می شود که می فرماید:

﴿وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ﴾ [مائده: ۳۵]

(و به سوی او نزدیکی بجوید).

بنابراین، همهی این حادثه‌ی . چنانکه آشکار است . حول محور دعا می چرخد و هیچ چیز از آنچه ادعا می کنند در آن نیست.

رابعا: در دعایی که پیامبر. صلی الله علیه وسلم. به وی یاد داد، آمده که بگوید: **«خداوندا شفاعت او را در مورد من بپذیر»** و این را غیر ممکن است که در مورد توسل به ذات یا جاه یا حق ایشان . صلی الله علیه وسلم. بدانیم، زیرا معنی «خداوندا شفاعت او را دربارهی من بپذیر، یعنی دعای او را بپذیر تا بینایی ام برگردد، و شفاعت در لغت به معنای دعاست، در لسان العرب (۱۸۴/۸) آمده است: **«شفاعت یعنی سخن گفتن با پادشاه برای برآورده شدن نیاز شخصی دیگر، و شافع کسی است که برای دیگری درخواستی کند تا مطلوب او حاصل شود، می گویند: برای فلانی نزد فلانی شفاعت کردم، پس شفاعتم را دربارهی او پذیرفت»**.

بنابراین، از این جنبه نیز ثابت می شود که توسل نابینا در واقع به دعای پیامبر - صلی الله علیه وسلم - بوده است نه ذات او.

خامسا: از جملهی آنچه پیامبر - صلی الله علیه وسلم - به نابینا یاد داد، این است که بگوید: **«وَسَمَّعْنِي فِيهِ»** (شفاعت او را دربارهی من بپذیر) یعنی شفاعت من را بپذیر، یعنی دعای من برای پذیرفته شدن شفاعت او صلی الله علیه وسلم (دعای برگشتن بینایی من) را بپذیر. این تنها معنایی است که از این جمله فهمیده می شود.

برای همین است که می بینی مخالفان آن را نادیده می گیرند و به هیچ عنوان نزدیک آن نمی شوند، زیرا بنایشان را از اساس ویران می سازد و از ریشه بیرون می آورد.

ششم: علما این حدیث را در معجزات پیامبر - صلی الله علیه وسلم - و دعای مستجاب وی و مواردی ذکر کرده اند که خداوند به برکت دعای ایشان نشان داده از جمله خوارق عادات و شفا از بیماری ها، زیرا به سبب دعای ایشان - صلی الله علیه وسلم - بود که الله متعال بینایی آن نابینا را باز گرداند. مصنفان و مولفان همانند بیهقی و دیگران، این روایت را در **«دلائل النبوة»** آورده اند، و این نشان می دهد که راز شفای آن نابینا در حقیقت دعای پیامبر - صلی الله علیه وسلم - بوده است.

بنابراین اگر راز شفای آن نابینا توسل به جاه پیامبر - صلی الله علیه وسلم - و قدر و منزلت و حق ایشان بود چنانکه عموم متاخرین فهمیده اند، این شفا باید برای دیگر نابینایانی که به جاه پیامبر - صلی الله علیه وسلم - توسل می کنند و بلکه گاه جاه و منزلت دیگر پیامبران و همه ی اولیا و شهدا و صالحان و همه ی کسانی که نزد الله جاه و منزلتی دارند از انسیان و جنیان را به آن می افزایشند، نیز حاصل می شد! اما ما کسی را نمی شناسیم و گمان هم نمی کنیم کسی در خلال این قرن های طولانی پس از وفات پیامبر - صلی الله علیه وسلم - تا کنون چنین چیزی برایش حاصل شده باشد.

با این توضیح مشخص می شود که گفته ی آن نابینا در دعایش که **«خداوندا من از تو مسالت دارم و با پیامبرت محمد صلی الله علیه وسلم به تو متوسل می شود»** منظورش این است که با دعای پیامبرت به تو متوسل می شوم، یعنی در اینجا مضاف حذف شده که مساله ای معروف در لغت است، همانطور که خداوند متعال می فرماید:

﴿وَاسْأَلِ الْقَرْيَةَ الَّتِي كُنَّا فِيهَا وَالْعَيْرَ الَّتِي أَقْبَلْنَا فِيهَا وَإِنَّا لَصَادِقُونَ﴾ [یوسف: ۸۱]

(و از شهری که در آن بودیم و کاروانی که در میان آن آمدیم بپرس و ما قطعاً راستگوییم).

یعنی از مردم آن شهر و مسافران آن کاروان بپرس.

اما با این وجود می‌گوییم: اگر به صحت برسد که توسل او به ذات پیامبر - صلی الله علیه وسلم - بوده باز هم این یک حکم خاص به ایشان - صلی الله علیه وسلم - است و هیچ یک از پیامبران و صالحان به آن ملحق نمی‌شود و رای صحیح چنین الحاقی را نمی‌پذیرد، زیرا پیامبر - صلی الله علیه وسلم - سرور آنان و بهتر از همه‌شان است، و در نتیجه این از جمله‌ی خصایصی است که خداوند ویژه‌ی ایشان قرار داده مانند بسیاری از ویژگی‌هایی که در خبر صحیح آمده. قیاس در باب خصوصیات وارد نمی‌شود و بنابراین اگر کسی معتقد است توسل آن نابینا به ذات پیامبر - صلی الله علیه وسلم - بوده باید در همین حد توقف کند و بر آن نیفزاید، چنانکه از امام احمد و شیخ عز بن عبدالسلام - رحمهما الله تعالی - نقل شده و این اقتضای پژوهش علمی منصفانه است، والله الموفق للصواب».

به صورت مختصر از کتاب التوسل أنواعه وأحكامه (صفحه‌ی ۷۵ به بعد).

والله اعلم